

علوی

زالال ترین عطفوت‌ها در وجودش موج می زند، همه وجودش سراسر عشق محض است، چشمه خروشان عشق و راه او چراغ روشن عاشقان و پرستاری زبینه اش بود. شجاعتش بی مثال بود و عشق اش به سرور شهدا وصف نشدنی. تاب یک لحظه دوری از برادر را نداشت و دلش از این دوری می گرفت و آشوب می شد؛ بانویی که صلابت و شجاعتش کاخ یزیدیان را در هم ریخت و خواب خوش را از چشمان آن هار بود. سیاهی های صحرای خونین کربلا و آن همه جور و ستم به خاندانش را دید و فقط گفت جز زیبایی چیزی ندیده است.

پیام آور صحرای خونین کربلا، غرق در ماتم و اندوه نشست اما تسلیم ظلم نشد. پس از گذشت قرن ها وقتی یزیدیان زمان، در نزدیکی حرم مطهرش، آرامش و آسایش را از مسلمانان ربودند و جنایت های بی شماری را مرتکب شدند، رهروان و عاشقان او را تنها گذاشتند و به یاری مردم مسلمان آن دیار رفتند، رفتند تا دوباره شیعیان بتوانند با خیال آسوده دور حرمش بگردند.

رفتند تا مسلمانان دوباره بتوانند هر وقت دل شان زنبی شد و هوای حضرت زینب(س) به سرشان زد، راهی دیارش شوند، مقابل این بانوی بزرگ سر تعظیم فرود آورند و حاجت بطلبند.



تشنه شهادت

چنان که شهید «مرتضی زهرن» راهی دیار عشق شد تا با دشمن زبون یجنگد و از حرمت حرم پیام آور کربلا در دیار غربت دفاع کند، عشق اش شهادت بود و در ۲۱ فروردین ۹۵ به آرزوی خود رسید؛ درست روزی که الگو و رهرو او شهید «صیاد شیرازی» به شهادت نائل شده بود. در جبهه مقاومت فرمانده تخریب بود و در جبهه های نبرد همچون سربازان می جنگید تا شهادت نصیب اش شد.

نخستین اعزامش در ۲۸ اسفند ۹۴ بود و حضورش در سوریه کمتر از یک ماه به طول انجامید، نخستین بار بود که می رفت و آن قدر آرزوی شهادت داشت تا این که شربت شهادت را در همان بار اول سر کشید.

این موهبت را همسرش مدیون الطاف خداوند و حضرت زینب(س) می داند و می گوید: همان طور که امام فرموده اند؛ «شهدا در طول زندگی شان نیز شهید هستند» در زندگی ام حضور دارد و این حضور را حس می کنم. وی ادامه می دهد: زندگی شهید «زهرن» به گونه ای بود که این لیاقت و مهر سربازی برای حضرت زینب(س) را داشت. وی می افزاید: از زمانی که ۲۲ ساله بود و وارد حرفه اش شد عقیده داشت خداوند شغلی به وی عنایت کرده است که به مردم خدمت کند، در راه دین قدم بگذارد و از همان ابتدا با ایمان به خدا و توسل به ائمه اطهار(ع) زندگی کرد و زمان اعزام دغدغه اسلام و مظلومیت مسلمانان را داشت و داوطلبانه با چشمانی باز و دلی سرشار از عشق و ایمان قدم در این راه گذاشت. تخصص به یاری اش آمد و دانش نظامی را در جبهه های مقاومت به خوبی به کار گرفت. همسر شهید از توصیه شهید «زهرن»، سرهنگ و تکاور ارتش به الگوبرداری از حضرت زینب(س) می گوید و ادامه می دهد: شهید زمان اعزامش، ما را به الگوبرداری از حضرت زینب(س) توصیه کرد که این بانو را سرلوحه زندگی خود قرار دهیم و صبر و مقاومت ایشان را یادآور شد و ما را به پیروی از این بانوی بزرگوار دعوت کرد. وی بیان می کند: من از ابتدای زندگی عشق و علاقه شهید را به شهادت می دانستم و پذیرفته بودم هر چند وابستگی و دلبستگی های ما زیاد و با وجود ۲ فرزند که هنگام شهادت «علی» ۸ ساله و «فاطمه» یک ساله بود، رفتن اش برایم بسیار سخت بود ولی راضی به رضای خدا هستم و از این باب خدا را شاکرم که این سعادت نصیب همسرم شد و از او التماس دعا دارم تا شفاعت ما را نیز در گاه خداوند بکند.

پایمردی از خراسان شمالی تا آستانه بوسی زینب(س)

دعای یک شهید



اصرار برای رفتن

روزی که بدرقه ات کردند تا به دیار عشق بروی شاید نمی دانستند این قدر زود به آرزوی دیرینه خود می رسی.

متولد مرداد ۶۱ و در بهمن ۹۴ بعد از

آزادسازی «نیل» سوریه که شیعه نشین بود و چندین سال در محاصره تکفیری ها قرار داشت، به شهادت رسید. همسر شهید «محمد تقی اربابی» که خاطرات زیادی از او دارد، می گوید: دوران زندگی با او برایم شیرین ترین لحظات بود. مردی با ایمان بود و اخلاص در عمل داشت.

وی ادامه می دهد: هر کاری را فقط برای رضای خدا انجام می داد و هیچ گاه در کارهایش خودنمایی نمی کرد.

وی می افزاید: زمانی که قرار بود گروه ها برای اعزام به سوریه اعلام شود و هنوز اسامی قطعی مشخص نبود، شهید «محمد تقی» که به همراه برادرش نام نویسی کرده بود، به برادرش توصیه کرد چون همسرش باردار

بود، بماند و خودش راهی شد. وی بیان می کند: شهید همیشه عقیده داشت از روز نخست که سرباز رفته ایم و حقوق گرفته ایم برای چنین روزهایی بوده است که از ناموس خود و اسلام دفاع کنیم و همیشه از من می خواست با او مخالفت نکنم. می گفت اگر بخواهیم حقوق خود را حلال کنیم باید خود را در این معرکه قرار دهیم و وظیفه داریم برویم و غیرت مان اجازه نمی دهد بینیم حرم حضرت زینب(س) در دست داعشی ها بماند و ما زندگی کنیم.

وی عقیده داشت که این زندگی زودگذر است اما اگر به مقام شهادت برسیم، هم دنیای مان آباد و هم آخرت مان تضمین است. همسر شهید اظهار می کند: هیچ وقت مخالفت سرسخانه نداشتم اما برایم سخت بود با ۲ بچه کوچک که هنگام شهادت یکی ۸ ساله و دیگری یک سال و ۴ ماهه بود، راحت قبول کنم بروم ولی شهید موقع رفتن با این جمله مرا آرام کرد؛ «دعا کن من شهید شوم، من قول می دهم شفاعت را بکنم».

همین امر باعث شد خداوند صبری عظیم به من مستلث کند که تاکنون برای همسرم نگرسته ام و به چنان بینشی رسیده ام که می گویم چه مرگی بالاتر از شهادت است و از او می خواهم به ما کمک کند تا بتوانیم راحت تر از این دنیا بگذریم و عاقبت بخیر شویم. وی شهدا را انتخاب شده می داند و می گوید: انگار شهدا از زمانی که به دنیا می آیند آماده اند تا الگو و سرمشق ما باشند. هر روز که از خواب بیدار می شوم یاد کارهای شهید می افتم که چه عقیده ای داشت و من آن ها را انجام می دهم تا عاقبت بخیر شوم. برای ما شهادت نوعی افتخار و خدا تاکنون خیلی کمک کرده است، با وجود این که بی شهید شده ایم اما آرامش به زندگی مان داده است و مدام می خواهم آن ارتباط را که شهدا زنده هستند و هوای مان را دارند، از ما بگیرد و به همین دلخوش باشیم.

از راهی که آمده ام، راضی ام

«باسین رحیمی» شهید دیگری است که متولد سال ۶۸ و خصایص خوب او زیانزد همگان بود. شغل اش آزاد بود و جوشکاری می کرد، مهربان بود، چنان که اکنون دوری از او برای خانواده به خصوص همسرش بسیار سخت است.

همسرش اظهار می کند: شهید بسیار فداکار، مهربان و خانواده دوست بود و بسیار تمایل داشت در راه خدا قدم بگذارد و در راه خدمت به اسلام به شهادت برسد. وطن را بسیار دوست داشت و مدام از خصایص حضرت زینب(س) برایم می گفت.

او که همیشه به یاد همسرش است، اظهار می کند: چه خوب شد که تماس گرفتید و خاطراتش را برایم مو به مو زنده کردید چون دقیقاً همان لحظه به یادش بودم. وی ادامه می دهد: شهید «رحیمی» در ۱۲ مهر ۹۵ در تیپ فاطمه الزهرا(س) به شهادت رسید و دومین باری بود که می رفت. یک بار ترکش به پایش اصابت کرد و برگشت و دفعه بعد بدون آن که به من بگوید، راهی شد و از دیار غربت بهر بار با یک خط با من تماس می گرفت تا نگران نباشم. وی بیان می کند: همسر بعد از رفتن مادرم رفت و مرا تنها گذاشت و خبر شهادتش مرا در شوک فرو برد. به خاطر دارم روزهای آخر به من می گفت جایی که هستم خیلی خوب است و از راهی که آمده ام راضی هستم اما هنوز هم شهادتش را باور نکرده ام و می دانم برمی گردد.

تصفیه آب خانگی به آب صنعت

فروش دستگاه های تصفیه آب ثبت نامی با قیمت مناسب
فروش سیستم های گرمایشی و سرمایشی
فروش شرایطی با چک کارمندی



فروش
فیلتر
با تخفیف ویژه

بجنورد خیابان شهید قربانی
(بعد از مسجد انقلاب) نبش قربانی ۸
فروشگاه به آب صنعت

۰۹۱۵۴۴۳۷۹۶۴ عزیز ۳۲۲۴۱۱۹۱

اجرای راه پله دوبلکس چوبی خراطی سرو چوب



بجنورد - روبروی رستوران اکبرجوجه - ۱۰۰ متر داخل جاده ینگه قلعه
۰۹۱۵ ۱۸۹ ۵۷۰۰
مدیریت جعفر سروی

خراطی
سرو چوب